جام جهانی فوتبال برای ایرانیان بی‌تفاوت گذشت

شکست؛ هم در بازی و هم مشارکت در جام جهانی

جام جهانی فوتبال که همواره مهمترین رویداد در بین مردم ایران بود، امسال و هنگام برگزاری، به پیش پاافتاده ترین موضوع تبدیل شد. اتفاقات پاییز امسال و اعتراضات سراسری و کشته و زخمی‌و زندانی شدن تعدادی از هموطنان موجب شد مردم حس و حال قبلی نسبت به جام جهانی را نداشته باشند. برخی معتقد بودند مسابقات تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی را می‌بینند اما آن شور و حال قبلی را نسبت به آن ندارند و برخی دیگر هم اصلا تمایلی به دیدن جام جهانی نداشتند. هرچند برخی نیز با این اعتقاد که فوتبال از سیاست جداست، مسابقات ایران در جام جهانی را دنبال می‌کردند؛ هرچند این افراد عموما از همان افرادی بودند که جدایی سیاست از ورزش را باور نداشتند!

گروه ایران در جام جهانی، با آمریکا و انگلیس و ولز تشکیل شده بود و نگرانی مسئولان از شکست از آمریکا و انگلیس موجب شد به جای دراگان اسکوچیچ که ایران را در سختترین شرایط به جام جهانی برده بود، دوباره کارلوس کی روش را به تیم ملی برگردانند. آنها خیالشان راحت بود که اگر کی روش بیاید، دیگر ترسی از شکست سنگین از تیمهایی مثل انگلیس نخواهیم داشت. جالب اینکه کی روش ابتدا موجب حذف کلمبیا از مقدماتی جام جهانی شد و سپس مصر را هم که محمد صلاح ستاره لیگ برتر انگلیس را به همراه داشت نتوانست به جام جهانی برساند اما سرانجام با ایران به جام جهانی رفت و البته بدترین نتایج را رقم زد.

شکست در مقابل انگلستان با نتیجه ۶ بر ۲ نشان داد مسئولان وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون فوتبال ایران، قمار اشتباهی روی کی روش انجام دادند و سنگین ترین شکست تاریخ ایران در فوتبال، ثبت شد. ایران اگرچه ولز را با دو گل که هر دو در وقتهای تلف شده به ثمر رسید و جزو دیرهنگام ترین گلهای تاریخ جام جهانی ثبت شد، شکست داد اما در مقابل آمریکا که ایران تنها یک مساوی می‌خواست تا صعود کند شکست خورد تا دومین رکورد کی روش برای تیم ملی هم ثبت شود: پس از سنگین ترین شکست تاریخ فوتبال ایران، اولین باخت تیم ملی فوتبال ایران در مقابل آمریکا هم ثبت شد تا مدیرانی که برای برگرداندن کی روش از هم سبقت می‌گرفتند شرمنده شوند!

نکته جالب خوشحالی بخشی از مردم از شکست ایران در مقابل انگلیس بود! به همین دلیل پس از پیروزی ایران در مقابل ولز، بیش از آنکه مردم عادی خوشحال شوند نیروهای انتظامی‌و امنیتی که آنروزها پای ثابت خیابانها بودند به خوشحالی پرداختند و صحنه‌های عجیبی از شیپور زدن و رقصیدن نیروهای گارد ضد شورش، توسط دوبینها ضبط شد که در نوع خود عجیب بود.

بین مردم هم در مورد حمایت یا عدم حمایت از تیم ملی قوتبال در جام جهانی اختلاف نشر بود. برخی می‌گفتند با توجه به بی تفاوتی بازیکنان تیم ملی در قبال اعتراضات در کشور، نباید از آنها

گروه ایران در جام جهانی، با آمریکا و انگلیس و ولز تشکیل شده بود و نگرانی مسئولان از شکست از آمریکا و انگلیس موجب شد به جای دراگان اسکوچیچ که ایران را در سختترین شرایط به جام جهانی برده بود، دوباره کارلوس کی روش را به تیم ملی برگردانند

حمایت شود و برای پیروزی تیم ملی به خیابانها آمد اما برخی دیگر اعتقاد داشتند پیروزی در مقابل ولز فرصت مناسبی بود تا مردم به خیابانها بیایند و هم شادی کنند و هم اعتراض خود را نشان دهند تا ماموران، شادی را مصادره به مطلوب نکنند. اما هر چه بود جام جهانی متفاوت برای ایرانیان به پایان رسید و بدترین نتایج تیم ملی در جام جهانی و حذف تکراری در مرحله گروهی، در همین جام جهانی ثبت شد.

از طرف دیگر، محدودیتهای ایجادشده توسط قطر در جام جهانی برای تماشاگران موجب شد هیچکدام از مخالفان سیاسی با پرچمی‌غیر از پرچم جمهوری اسلامی‌ایران امکان حضور در ورزشگاهها را پیدا نکنند و کسانی هم که به طریقی اعتراض خود را در ورزشگاهها نشان دادند اخراج شدند؛ هرچند تصاویر آنها جهانی شد.

نکته دیگر درباره جام جهانی قطر، ادعای مسئولان ایران برای بهره برداری اقتصادی از برگزاری جام جهانی قطر در نزدیکی ایران بود. این ادعاها ابتدا با ادعای مشارکت در میزبانی از تیمهای شرکت کننده در جزیره کیش و استفاده از فرصتهای جذب توریست از قطر آغاز شد اما در نهایت به پارک کردن هواپیماها در فرودگاههای جنوب ایران هم رضایت دادند که البته هیچکدام عملی نشد!

در صورت برنامه ریزی مناسب می‌توانستیم حدود ۲۰ هزار گردشگر ورزشی را در مقطع جام جهانی ۲۰۲۲ قطر پذیرا باشیم و از درآمد حضور آنان بهره مند شویم. هرچند این کشور در طول ۱۰ سال گذشته زیرساخت و ظرفیت‌های لازم را متناسب با تعداد تماشاگرانی که پیش‌بینی شده است وارد این کشور شوند به وجود آورده است، اما مسئولین ایران هیچ اقدامی‌درخور توجه در این راستا انجام ندادند و بحث مشارکت ایران در بهره‌برداری از فرصت بی‌نظیر جام جهانی قطر در حد همان بحث و تبادل نظر باقی ماند،این در حالی است که باتوجه به مساحت ۱۱ هزار کیلومترمربع کشور قطر که صرفاً چیزی در حدود وسعت استان قم است و با توجه به نبود تفریحات و جاذبه‌های متنوع و عدم برخورداری از تنوع آب‌وهوایی، قطعاً تماشاگران جام جهانی ترجیح می‌دهند مدتی از اقامت دوهفته‌ای خود در قطر را به سفر به کشورهای اطراف اختصاص دهند.در این میان کشور ایران از حیث برخورداری از تنوع و جاذبه‌های ممتاز گردشگری و همچنین فاصله اندکی که با این کشور دارد، به‌نظر می‌رسد اقبال بیشتری را در جذب تماشاگران این رویداد نسبت به سایر کشورهای همسایه قطر، داشته باشد. اما اینها همه در حد حرف ماند و حتی چند روز پیش از آغاز جام جهانی رئیس جامعه حرفه‌ای هتلداران ایران گفت که حتی یک نفر هم برای حضور در کیش از قطر رزرو نداشته‌ایم!

شروین حاجی‌پور جایزه گرمی را گرفت

«برای...» سال اعتراضی هنرمندان

ده روز از درگذشت مهسا امینی و آغاز اعتراضات مردم به مرگ او گذشته بود که ناگهان ترانه ای ساده اما جذاب که متن آن از توئیت‌های اعتراضی مردم تشکیل شده بود در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. خواننده این ترانه را که عنوان «برای...» به خود گرفته بود ابتدا عموم مردم نمی‌شناختند اما خیلی زود مشخص شد او همان فردی بود که در مسابقه استعدادیابی عصرجدید شرکت کرده بود و یکی از داوران مسابقه به نام بشیر حسینی که بعدها حرف عجیبش در یک برنامه تلویزیونی مبنی بر پیشنهاد رفتن به یک «اربعین توپ و شیطون بلا» به مژده لواسانی مجری دیگر برنامه حاشیه ساز شده بود، او را مستحق صعود به مرحله بعدی مسابقه نمی‌دانست! اما همین فرد جایزه گرمی‌را دریافت کرد.

شروین حاجی‌آقاپور متولد ۱۰ فروردین ۱۳۷۶ در بابلسر، خواننده، ترانه‌سرا و آهنگساز و فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد از دانشگاه مازندران است. ترانه جالب او که با صدای محزونش در آن روزهای حزن انگیز، تطابق زیادی داشت، پس از انتشار در روز ششم مهرماه، خیلی زود مورد توجه همگان قرار گرفت. او یک روز بعد از انتشار این ترانه بازداشت شد اما پس از یک هفته با قید وثیقه آزاد شد تا به گفته محمد کریمی، دادستان عمومی‌و انقلاب مرکز استان مازندران، پرونده وی مراحل قانونی را طی کند. او طبیعتا پس از آنبازداشتف دیگر فعالیت دیگری نکرد و البته امکان حضور در مراسم اهدای جوایز گرمی‌را هم نداشت!

شانزدهم بمهن ماه امسال، شصت و پنجمین دوره جوایز گرمی‌برندگان سال ۲۰۲۳ خود را برای محصولات سال میلادی گذشته طی مراسمی‌که در شهر لس‌آنجلس ایالات متحده آمریکا برگزار شد، معرفی کرد. جایزهٔ گرمی‌که در اصل جایزه گرامافون نامیده می‌شود ، یک جایزهٔ موسیقی است که توسط آکادمی‌ملی علوم و هنرهای ضبط برای شناسایی دستاوردهای صنعت موسیقی ارائه می‌شود. نشان جایزه، یک گرامافون طلاکاری‌شده را به تصویر می‌کشد. از بین سه مراسم بزرگ موسیقی جهان، گرمی‌بزرگ‌ترین آن‌ها است. گرمی‌به همراه جوایز اسکار (برای دستاوردهای سینمایی)، جوایز امی(برای دستاوردهای تلویزیونی) و جوایز تونی (برای دستاوردهای تئاتر و برادوی) یکی از چهار جایزه اصلی سالانه سرگرمی‌آمریکا محسوب می‌شود. امسال این مراسم برای ایرانیان از این جهت بسیار جالب توجه بود که شروین حاجی‌پور از ایران با آهنگ «برای» به‌عنوان برنده جایزه جدید بهترین آهنگ برای تغییر اجتماعی معرفی شد. این جایزه‌ای است که اکتبر گذشته به جوایز گرمی‌افزوده شده و در نخستین دوره به یک هنرمند جوان ایرانی داده شد. جالب اینجاست که جیل بایدن بانوی اول آمریکا، در این مراسم با تقدیر از این ترانه و با یادآوری مرگ مهسا امینی و جنبش زن زندگی آزادی، شروین حاجی‌پور را برنده این جایزه اعلام کرد. پس از این اتفاق، شروین حاجی یک پست

ده روز از درگذشت مهسا امینی و آغاز اعتراضات مردم به مرگ او گذشته بود که ناگهان ترانه ای ساده اما جذاب با عنوان «برای...» که متن آن از توئیت‌های اعتراضی مردم تشکیل شده بود منتشر شد و چند ماه بعد شروین حاجی‌پور خواننده این ترانه، برنده جایزه گرمی شد

کوتاه در شبکه‌های اجتماعی با عبارت «ما بردیم» گذاشت اما یک روز بعد متنی که برخی اعتقاد داشتند اجباری بود در انتقاد از اینکه نام او توسط همسر رئیس جمهور آمریکا اعلام شده منتشر کرد. اما به هر حال او برنده جایزه گرمی‌شده بود و البته ترانه اش به یک اتفاق ماندگار در بین ترانه‌هایی که در دهه‌های گذشته منتشر شده، تبدیل شد.

در سال‌های گذشته هم هنرمندانی چون کیهان کلهر و حمید سعیدی به‌عنوان عضوهای گروه‌های برنده جایزه گرمی، نام «ایران» را در تاریخچه جایزه‌های گرمی‌ثبت کرده بودند. محمدرضا شجریان و حسین علیزاده نیز با آثاری، سابقه نامزدی در جایزه‌های گرمی‌را داشته‌اند.

اما ترانه شروین حاجی پور، تنها ترانه ای نبود که در دوران اعتراضات شش ماهه دوم امسال در ایران مورد توجه قرار گرفت. مهدی یراحی از خوانندگان منتقدی بود که در سالهای گذشته هم ترانه‌های انتقادی از جمله در اعتراض به وضعیت کم آبی و محرومیتهای خوزستان خوانده بود. اما پس از اعتراضات اخیر فعالیت او دو چندان شد و یکی از ترانه‌هایش بیشتر مورد توجه قرار گرفت: سرود زندگی.

هنرمندان دیگری نیز با اعتراضات نیمه دوم امسال همراهی کردند که همراهی آنها بی هزینه هم نبود و بعضا بازداشت شدند. مشهورترین آنها ترانه علیدوستی و کتایون ریاحی بودند که به ترتیب ۲۶ آذر و ۲۹ آبان بازداشت شدند. توماج صالحی خواننده رپ که ۸ آبان بازداشت شد همچنان در زندان است. عماد قویدل و سامان یاسین از دیگر خوانندگانی بودند که در جریان حوادث اخیر بازداشت شدند. محمود شهریاری مجری اسبق صداوسیما، هنگامه قاضیانی و میترا حجار از دیگر بازیگرانی بودند که بازداشت شدند. کمیته حمایت حقوقی و قضایی از سینماگران در خانه سینما فهرست «۱۰۰ تن» از هنرمندان موسیقی و تئاتر و سینما... را منتشر کرد که در جریان اعتراضات، بازداشت یا ممنوع خروج شده‌اند. مجموعه این حوادث تاثیرات خود را روی جشنواره‌های فیلم و تئاتر و موسیقی فجر هم گذاشت و تعدادی از هنرمندان از حضور در این جشنواره‌ها خودداری کردند تا هم با مردم و هم با همکاران زندانی خود همراهی کنند. هرچند در دو ماه پایانی سال، اندک اندک کنسرت‌های موسیقی رونق بیشتری گرفت و خوانندگان بیشتری فعالیت خود را آغاز کردند. بسیاری اعتقاد دارند دست از کار کشیدن برخی هنرمندان که سلبریتی هستند و وضعیت مالی بهتری دارند برایشان مشکلی ایجاد نمی‌کند اما رکود فعالیتهای هنری، دامان بسیاری از افرادی را که در پشت صحنه حضور دارند یا هنرمندان معروفی نیستند می‌گیرد و مشکلات اقتصادی و معیشتی آنها را دامن می‌زند. مخالفان توقف فعالیتهای هنری همچنین می‌گویند مگر مشاغل دیگر، فعالیتهای خود را تعلیق کرده اند که از آنها انتظار توقف فعالیت دارند؟

سلطنت ۷۰ ساله ملکه الیزابت با یک تشییع پرهزینه به پایان رسید

رویارویی موافقان و مخالفان نظام سلطنتی بریتانیا

درگذشت الیزابت دوم، ملکه بریتانیا در روز هشتم سپتامبر ۲۰۲۲، اگرچه اتفاق مهمی‌برای بریتانیا بود اما در دنیا از این جهت موردتوجه افکار عمومی‌قرار گرفت که به دلیل هزینه‌های بالای مراسم طولانی تشییع و تدفین او، موافقان و مخالفان حکومتهای سلطنتی را بار دیگر در مقابل هم قرار داد.

الیزابت الکساندرا مری یا الیزابت دوم، متولد ۲۱ آوریل ۱۹۲۶ از ۶ فوریهٔ ۱۹۵۲ تا زمان مرگش در ۲۰۲۲ ملکهٔ پادشاهی بریتانیا و دیگر قلمروهای مشترک‌المنافع بود. سلطنت ۷۰ سال و ۲۱۴ روزهٔ او طولانی‌ترین مدت زمان سلطنت در پادشاهی بریتانیا است.

او بزرگ‌ترین فرزند دوک و دوشس یورک (بعدها شاه جرج ششم و ملکه الیزابت، شهبانوی مادر) بود. پدر او زمانی که برادرش شاه ادوارد هشتم در سال ۱۹۳۶ پس از یک بحران قانونی مجبور به استعفا شد، به سلطنت رسید و با پادشاهی او، الیزابت به وارث مقدر امپراتوری بریتانیا تبدیل گردید. او به‌صورت خصوصی در خانه تحصیل کرد و از آغاز جنگ جهانی دوم چندی از وظایف عمومی‌خانوادهٔ سلطنتی را برعهده گرفت و در طول جنگ در نیروی کمکی خدمت قلمرویی خدمت کرد. در ۱۹۴۷، او با شاهزاده فیلیپ، دوک ادینبرو، شاهزادهٔ سابق یونان و دانمارک ازدواج کرد که حاصل ازدواجشان چهار فرزند بود: چارلز سوم، شاهدخت آن، شاهزاده اندرو و شاهزاده ادوارد. الیزابت با درگذشت پدرش در فوریهٔ ۱۹۵۲ رئیس اتحادیه کشورهای همسود و ملکهٔ سلطنتی هفت کشور مستقل مشترک‌المنافع شد: بریتانیا، کانادا، استرالیا، نیوزیلند، آفریقای جنوبی، پاکستان و سیلان.

او طولانی‌ترین دورهٔ فرمانروایی و درازترین عمر را در بین حکمرانان بریتانیا داشت؛ و طولانی‌ترین دورهٔ سلطنت را بین ملکه‌های سلطنتی و حاکمان زن جهان داشته و پیرترین رهبر در جهان و قدیمی‌ترین پادشاه جهان بود. وی همچنین رئیس عالی کلیسای انگلستان و مدافع ایمان در برخی از کشورهای قلمرویش نیز بود.

الیزابت گهگاه با جنبش‌های جمهوری‌خواهی و انتقادات رسانه‌ای از خانوادهٔ سلطنتی روبه‌رو شد؛ از جمله این دفعات پس از طلاق‌های فرزندانش، در «سال فاجعه‌بار» ۱۹۹۲ و مرگ عروس سابقش، دایانا، شاهدخت ولز بوده‌است. با این همه، در بریتانیا محبوبیت نظام سلطنت و شخص الیزابت معمولاً بالا بوده‌است. با این حال در بین قشر جوان، مخالفان نظام سلطنتی بریتانیا بیشتر هستند.

همواره انتقاداتی درباره ثروت او و خاندان سلطنتی وجود داشت. املاک سلطنتی، نام بنیادی است که برای ملکه درآمدزایی می‌کند. این بنیاد بیش از ۵۰۰ میلیون پوند املاک شخصی، سرمایه‌گذاری و درآمد ملکه بریتانیا را اداره می‌کند. در مورد میزان ثروت شخصی الیزابت دوم، ملکه بریتانیا، سال‌ها حدس و گمان زده شده‌است. در سال ۲۰۱۱، ملکهٔ بریتانیا با ۳۰۰ میلیون پوند دارایی اثبات‌شده، در رده ۲۵۷ «فهرست ثروتمندترین‌های بریتانیا» قرار گرفت. مجله اقتصادی فوربز، در سال ۲۰۱۰، میزان ثروت شخصی الیزابت دوم را در حدود ۴۵۰ میلیون دلار آمریکا تخمین زده بود. در سال ۱۹۹۳، دفتر مخصوص ملکهٔ بریتانیا، در واکنش به اخبار و شایعاتی مبنی بر میزان دارایی‌های شخصی

بر اساس گزارشی که توسط بی بی سی هم منتشر شد از هر ۴ شهروند بریتانیایی، یک نفر خواهان پایان سلطنت در این کشور هستند. برخی شهروندان بریتانیایی با برگزاری مراسم پرهزینه تشییع مخالف بودند و حالا هم مخالف برگزاری مراسم پرهزینه تاجگذاری چارلز پادشاه ۷۴ ساله انگلیس هستند

ملکه به میزان ۱۰۰ میلیون پوند استرلینگ، آن را «به شدت اغراق‌آمیز» توصیف کرد. اما در این مورد توضیحاتی هم وجود دارد. کلکسیون سلطنتی، که شامل جواهرات سلطنتی امپراتوری بریتانیا و آثار هنری برجسته‌ای است، جزو اموال شخصی ملکهٔ بریتانیا محسوب نمی‌شود و تنها در اختیار ملکه قرار دارند. همچنین کاخ‌های سلطنتی باکینگهام و قلعه وینزر، تنها در اختیار خانواده سلطنتی قرار دارند و مالکیت آن‌ها در اختیار خانواده سلطنتی و ملکه بریتانیا نیست. از دیگر اموال منقولی که تنها در اختیار خانواده سلطنتی قرار دارد، قلمرو دوک لنکستر است که در سال ۲۰۱۰، ارزش آن در حدود ۳۴۸ میلیون پوند استرلینگ تخمین زده شده‌بود.

گفته می‌شود که الیزابت دوم به اقامت در کاخ باکینگهام که اقامت‌گاه رسمی‌خانواده سلطنتی در شهر لندن است، چنان رغبتی نداشت و اقامت در قلعه وینزر را به مراتب ترجیح می‌داد. کاخ ساندرینگهام و دژ بالمورال اقامت‌گاه‌های خصوصی و از اموال خانوادگی ملکه بریتانیا هستند. ملکه الیزابت دوم، مالک شخصی این دو کاخ است. درآمدهای حاصل از املاکی به ارزش بیش از ۶۰۶ میلیارد پوند استرلینگ، تحت قیومیت خانواده سلطنتی بریتانیا است، که در انگلستان به اصطلاح «املاک سلطنتی» نامیده می‌شود. ملکه بریتانیا حق فروش هیچ‌یک از آن املاک و مستغلات را ندارد و درآمد حاصل از آن‌ها نیز به خزانه بریتانیا جهت پرداخت حقوق کارمندان دولت، واریز می‌شود.

برخی برآوردها میزان هزینه تشییع ملکه الیزابت دوم را ۶ میلیارد پوند اعلام کردند اما این عدد هیچگاه تایید نشد. اما این صرفا هزینه تشییع جنازه ملکه و تاج‌گذاری پادشاه جدید این کشور نبود و هزینه‌های دیگر را هم در بر می‌گرفت. جمع‌آوری اسکانس‌های با تصویر ملکه و چاپ اسکانس‌های جدید با تصویر چارلز سوم، و تغییر گذرنامه‌ها، تمبرها، و یونیفورم‌های پلیس از جمله تغییرات هزینه‌بر دیگری است که رسانه‌ها به آن‌ها اشاره کردند.

بر اساس گزارشی که توسط بی بی سی هم منتشر شد از هر ۴ شهروند بریتانیایی، یک نفر خواهان پایان سلطنت در این کشور هستند. برخی شهروندان بریتانیایی با برگزاری مراسم پرهزینه تشییع مخالف بودند و حالا هم مخالف برگزاری مراسم پرهزینه تاجگذاری هستند. چارلز پادشاه ۷۴ ساله انگلیس از سپتامبر گذشته، پس از فوت مادرش، سکان تاج و تخت را بدست گرفته است. مراسم تاج‌گذاری او قرار است در ماه می(اردیبهشت/ خرداد) برگزار شود. او در چندین سفری که بعد از تکیه زدن بر کرسی پادشاهی، به شهرهای انگلیس داشته، با تجمع مخالفان نظام سلطنتی رو برو شده و در چند مورد با پرتاب تخم‌مرغ مورد استقبال قرار گرفته است. جنبش جمهوری‌خواه انگلیس که هزاران عضو و ده‌ها هزار طرفدار دارد سالهاست که برگزاری همه پرسی در خصوص آینده نظام سلطنتی انگلیس را خواهان است و تاکید دارد که این نظام یادآور ستم‌هایی است که پادشاهان انگلیس بر مردم روا داشته‌اند.

یک سال پس از جنگ اوکراین

هزاران کشته و آواره، حاصل کشورگشایی پوتین

حمله روسیه به اوکراین، همانند بسیاری اتفاقات در این دنیا که ابتدا توجه افکار عمومی‌را به خود جلب میکند و سپس، اندک اندک به حاشیه می‌رود، ابتدا افکار عمومی‌دنیا را چنان تکان داد که همگان تصور می‌کردند خیلی زود، جامعه جهانی حمله روسیه را متوقف می‌کند. اما حالا بیش از یک سال از این جنگ فرسایشی سپری شده و نه خبری از توقف جنگ است و نه امیدی به پایان آن در مدت زمان کوتاه.

بحران روسیه و اوکراین از سال ۲۰۱۴ میلادی شکل گرفته بود اما حمله نظامی‌روسیه به خاک اوکراین، از پنجم اسفند ماه سال گذشته آغاز شد و حالا بیش از یک سال از آن سپری می‌شود. البته روند نفوذ نظامی‌روسیه در اوکراین، از اوایل سال ۲۰۲۱ آغاز شده بود. روسیه گسترش ناتو به سمت شرق را تهدیدی برای منافع ملی خود می‌دانست و نزدیک شدن اوکراین به غرب، مهمترین تهدید برای روسیه بود. به همین دلیل به اوکراین حمله کرد اما همین حمله موجب تمایل تعدادی دیگر از کشورها برای پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو شد.

انقلاب نارنجی اوکراین از سال ۲۰۱۳ آغاز شد. ویکتور یانوکوویچ، رئیس‌جمهور هوادار روسیه و رهبران مخالف پارلمانی اوکراین در ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ توافقنامه‌ای را امضا کردند که خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام بود. روز بعد، یانوکوویچ پیش از رای‌گیری استیضاح از کی‌یف گریخت که باعث سلب اختیارات او به‌عنوان رئیس‌جمهور شد. رهبران مناطق شرقی اوکراین که روس‌زبان بودند همچنان وفاداری خود را به یانوکوویچ اعلام کردند که باعث رخ دادن ناآرامی‌هایی از طرف هواداران روسیه در سال ۲۰۱۴ در اوکراین شد. این ناآرامی‌ها با الحاق کریمه به روسیه در مارس ۲۰۱۴ و جنگ در دونباس، که در آوریل ۲۰۱۴ با ایجاد جمهوری خلق دونتسک و لوهانسک توسط روسیه آغاز شد، ادامه پیدا کرد.

اما شش سال بعد، دوباره تنش جدیدی شکل گرفت. در ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۰، رئیس‌جمهور اوکراین، ولودیمیر زلنسکی، استراتژی جدید امنیت ملی اوکراین را «که گسترش مشارکت متمایز با ناتو را با هدف عضویت در ناتو فراهم می‌کند»، تصویب کرد. در ۲۴ مارس ۲۰۲۱، زلنسکی «استراتژی خلع اشغال و ادغام مجدد سرزمین‌های موقتاً اشغال شده جمهوری خودمختار کریمه و شهر سواستوپل » را تصویب کرد. در ژوئیه ۲۰۲۱، پوتین مقاله‌ای با عنوان «وحدت تاریخی روس‌ها و اوکراینی‌ها» منتشر کرد که در آن دوباره دیدگاه خود را مبنی‌بر اینکه روس‌ها و اوکراینی‌ها «یک ملت» هستند، تکرار کرد. روسیه اعلام کرد پیوستن احتمالی اوکراین به ناتو و به‌طور کلی گسترش ناتو امنیت ملی این کشور را تهدید می‌کند.

اگرچه از اواخر بهمن ماه هجوم روسیه به اوکراین حتمی‌به نظر می‌رسید اما روسیه هیچگاه به طور رسمی‌آن را تایید نکرد. سرانجام کمی‌پیش از ساعت ۵ بامداد روز پنجم اسفند ۱۴۰۱ به وقت اوکراین پوتین اعلام کرد که تصمیم به

بر اساس آخرین داده‌های دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد ، از زمان تهاجم روسیه به اوکراین، حداقل ۸۰۰۰ غیرجنگجو کشته و نزدیک به ۱۳۳۰۰ نفر مجروح شده اند. هرچند که تعداد واقعی احتمالاً بسیار بیشتر است. نزدیک به ۱۸ میلیون نفر نیاز مبرم به کمک‌های بشردوستانه دارند و ۱۴ میلیون نفر از خانه‌های خود آواره شده‌اند

آغاز عملیات نظامی‌در شرق اوکراین گرفته‌است. پوتین در سخنرانی خود گفت هیچ برنامه‌ای برای اشغال سرزمین اوکراین وجود ندارد و مدعی شد که از حق مردم اوکراین برای تعیین سرنوشت پشتیبانی می‌کند. چند دقیقه پس از اعلام پوتین، انفجارهایی در کی‌یف، خارکف، اودسا و دونباس گزارش شد. درگیری‌ها در هفته‌های ابتدایی جنگ بسیار سنگین بود و بسیاری تصور می‌کردند روسیه با توجه به قدرت نظامی‌بسیار برتر خود نسبت به اوکراین، خیلی زود کار جنگ را یکسره کند. اما این اتفاق رخ نداد و مقاومت اوکراینی‌ها از جمله زلنسکی رییس جمهور این کشور که در روزهای ابتدایی، شایعه فرارش از اوکراین مطرح شده بود، همه را شگفت زده کرد.

با این حال جنگ اوکراین خسارات فراوانی به بار آورد و جان بسیاری را گرفت. کمکهای جامعه جهانی به اوکراین موجب شد آنها بتوانند در مقابل روسها مقاومت کنند اما اوکراین هیچگاه میزان کمکهای جامعه جهانی را کافی نمی‌دانست. این جنگ باعث ایجاد بحران بزرگ پناهندگان در اروپا شد؛ بحرانی که از زمان جنگ‌های یوگسلاوی در دهه ۱۹۹۰ تاکنون دیده نشده است.

مدتی بعد، روسیه تحریم شد و بیشترین تحریم‌های تاریخ به نام این کشور ثبت شد. هرچند روسها در بازار انرژی از قدرت خود استفاده کردند. اگرچه اروپا برای نفت روسیه جایگزین پیدا کرد و نفت روسیه راهی شرق شد و با تخفیف بالا فروش رفت و جای نفت ایران را که در دوران تحریم به چین صادر می‌شد تنگ کرد، اما گاز روسیه در اروپا جایگزین سهل الوصولی نداشت و همین ابزار فشار روسیه به کشورهای اروپایی بویژه آلمان شد. با این حال تدابیر پیشدستانه اروپایی‌ها در صرفه جویی و همچنین جایگزین کردن بخشی از گاز وارداتی از روسیه با گاز کشورهای دیگر، همچنین سرمای کمتر هوا در اروپا در زمستان اخیر در قیاس با سالهای گذشته، موجب شد اروپا از این خوان سخت، به سلامت عبور کند.

در ماههای اخیر، موضوع فروش پهپادهای شاهد ایران به روسیه و استفاده از آنها در حمله به اوکراین حواشی فراوانی ایجاد کرد و اگرچه از سوی جمهوری اسلامی‌به شدت تکذیب شد، اما موجب انتقادات زیادی از ایران شد.

بر اساس آخرین داده‌های دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)، از زمان تهاجم روسیه به اوکراین، حداقل ۸۰۰۰ غیرجنگجو کشته و نزدیک به ۱۳۳۰۰ نفر مجروح شده اند. هرچند که تعداد واقعی احتمالاً بسیار بیشتر است. نزدیک به ۱۸ میلیون نفر نیاز مبرم به کمک‌های بشردوستانه دارند و ۱۴ میلیون نفر از خانه‌های خود آواره شده‌اند.این نتیجه جنگی فرسایشی است که پوتین به اوکراین تحمیل کرد و همچنان پس از گذشت یک سال نافرجام مانده است و قربانیان بیشتری می‌گیرد.